

که نام ایشان باعث عزت نفس رزمندگان بود و لرزه بر اندام دشمن می‌انداخت. همان طور که صدام برای به شهادت رساندن او جایزه گذاشته بود.

یکی از چالش‌های فیلمسازی تاریخی و مستند، آن هم در این بازه زمانی کوتاه، شبیه‌سازی و یکسان‌سازی بازیگران با شخصیت‌های واقعی است که برخی از آنها هنوز زنده هستند، این مسئله را چگونه حل کردید؟

تا جایی که امکانش بود، از چهره‌های نزدیک به شخصیت‌ها استفاده کردیم و فکر می‌کنم نتیجه مثبت را در این زمینه گرفتیم، اما برای ما مهم‌تر از این مسئله، انتقال حس و حال نقش و معنویت بود که از اثر انتظار داشتیم و همین‌طور مهم‌تر از بازسازی، تأثیر گذاری تصمیمات شخصیت‌ها در بزنگاه‌های داستانی است که فیلمنامه نویس بر اساس مستندات تاریخی همه را نعل به نعل منعکس کرده است.

آیا فیلم صیاد انتظارات مخاطبان عام سینما که به دنبال هیجان و تعلیق در رویدادها هستند، را بر آورده می‌کند؟

رسالت ما این است که غبار را از چهره قهرمانان ملی برداریم و آنها را از دل تاریخ برای نسل جدید و قدیم باز نماییم. شهید صیاد شیرازی و دیگر قهرمانان ملی ایران، جانفشانی‌های زیادی برای سرزمین ما کردند و حیفاست که نسل جدید آنها را نشناسد. این مردم به طور روزمره شاید بارها از اتوبان صیاد بگذرند، پس بهتر است بدانند که این قهرمان در آن روزگار چه نقش آفرینی مهمی در تاریخ ایران داشته است.

آیا برای طرح مشکلات درونی قهرمان و نقص‌های شخصیت دست‌تان باز بود؟

حتی اگر دست ما باز بود، من لزومی به طرح این مسائل نمی‌دیدم، به نظر من درام می‌تواند چالش‌ها را به شکل دیگری آورد و لازم نیست بر روی نقاط خاکستری و یا بعضاً کور شخصیت اشاره کرد، چون ما علاوه بر بازنمایی شخصیت شهید صیاد، به مستندات و رویدادهای تاریخی هم توجه داشتیم و آنها را به چالش کشیده‌ایم و عمدتاً وزن تحولات و فقدان‌ها را در موضوعات بیرونی و تاریخی گذاشته‌ایم.

حسین تراب‌نژاد، نویسنده:

فیلم «صیاد» حرف‌های جدیدی برای گفتن دارد

برشی از زندگی شهید صیاد شیرازی را به نگارش در آوردید، انتخاب این برهه تاریخی با چه رویکردی همراه بود؟

فیلمنامه روایتگر خرداد ماه ۱۳۵۹ تا آذر ماه ۱۳۶۰ است که با عملیات طریق‌القدس تمام می‌شود و تلفیقی از دو ژانر سیاسی و دفاع مقدس است. این برهه روایت‌گر رویدادهایی است که شهید صیاد شیرازی از خود به دلیل منافع ملی و میهنی می‌گذرد، تا عامل وحدت شود.

در جمع آوری اطلاعات از چه منابع و مستنداتی استفاده کردید؟

خوشبختانه از این دوره منابع و مستندات زیادی وجود دارد که اسم بردن تک تک آنها در این گفت‌وگو نمی‌گنجد، بخش مهمی از منابع در تیتراژ فیلم آورده شده است، اما بطور کلی ما به زندگی خود صیاد شیرازی بسنده نکردیم و به مستندات آن مقطع زمانی و کتاب‌هایی که توسط

ارتش، سپاه و... منتشر شده، رجوع کردیم.

آیا موضوعیت فیلمنامه پرده از اطلاعاتی برداشته است که ممکن باشد تابحال در آرشیو مخفی و یا بایگانی‌ها گانی باشد؟

خیر، بیشتر مستنداتی که در فیلم روایت شده، قبلاً در کتاب‌ها و... آورده شده، اما همین اطلاعات را عموم مردم ندارند. به همین دلیل برای بخش زیادی از جامعه، فیلم «صیاد» حرف‌های جدیدی برای گفتن دارد.

آیا فیلمنامه را بر اساس الگوی سفر قهرمان ساختار بندی کرده‌اید و یا به تبع موضوعات مستند روایت از الگوهای دیگر فیلمنامه‌نویسی استفاده کردید؟

تصور من بر این است که ۹۰ درصد فیلم‌های در حال تولید از همین الگو گرفته‌تر به داری می‌کنند و اگر فیلم شاه‌پی‌رنگ باشد، سفر قهرمان به صورت غلیظ‌تری استفاده می‌شود و اگر بر مبنای ارتباطات گسترده خرده‌پیرنگی باشد، سفر قهرمان را به صورت

رقیق‌تری داریم. مثلاً در طول روایت ما بخش تحول بنیادین شخصیت در الگو را نداریم، اما شاهد از خودگذشتگی‌های شخصیت برای به دست آوردن دستاوردهای جدید هستیم.

آیا فقدان این تحول، سبب نخواهد شد که مخاطب به جای همذات‌پنداری، تنها به همراهی با قهرمان بسنده کند؟

خیر، صیاد در این روایت در چندین مقطع دچار تردید می‌شود و بر سر دو راهی می‌ماند. از همین نقطه انتخاب‌های او برای ما مهم می‌شود، چرا که انتخاب هر مسیر، هزینه‌ها و مخاطراتی را برای او دارد و شخصیت با چالش‌هایی از جنس حذف فردیت‌گرایی به نفع وحدت‌گرایی مواجه است. به نظر من در آثار شخصیت محوری که در گونه دفاع مقدس ساخته می‌شود، نویسنده باید تلاش کند که شخصیت مقدس نمایی نشود. به دلیل اینکه شخصیت مقدس برای مخاطب دور از دسترس است و تردیدهایش نیز بی‌معنی است چرا که مخاطب حتم دارد که او قطعاً راه درست را انتخاب خواهد کرد، بنابراین ما تمام همت خود را گذاشتیم که این اتفاق رخ ندهد.

نگارش این اثر چقدر طول کشید؟

قبل از اینکه من به پروژه اضافه شوم، محمدرضا شفیعی تهیه‌کننده اثر، تحقیقات مفصلی را درباره این مقطع زمانی و شهید صیاد شیرازی انجام داده بود، حدود ۴ ماه طول کشید تا من هم این منابع را مطالعه کنم و پس از آن نگارش خود فیلمنامه حدود پنج ماه طول کشید.

آن لحظه طلایی که احساس کردید فیلمنامه در درون شما نهادینه و روایت‌ها یکی پس از دیگری در هم چفت می‌شوند، چه زمانی بود؟

ما چند کتاب خوب در موضوع شهید صیاد شیرازی داریم که یکی از آنها «در کمین گل سرخ» به نویسندگی مومنی است. این کتاب یک شمای کلی از زندگی صیاد شیرازی از دوران کودکی تا شهادت به ما می‌دهد، من با خواندن این کتاب متوجه شدم که تلاش ما برای ساخت یک اثر سینمایی از این شخصیت نتیجه خواهد داد. به دلیل اینکه در زندگی این شهید فراز و فرودهای زیادی وجود دارد و در سطح ارتباطی کارا کتری بسیار پرجاذبه است که با تمامی مقام‌های بلند پایه نظامی، ارتشی و حتی عرفای جامعه در تعامل و بده‌بستان بوده است. این تلوع ارتباطات برای من خیلی جذاب بود، چون شخصیت را دارای کارکردهای چند وجهی می‌کرد که در هر بخش به شکلی متفاوت و غیر قابل حدس می‌شد. علاوه بر این فیلم از یک لایه خیالی نیز برخوردار است که من تابحال شبیه به آن را در فیلم‌های دفاع مقدس ندیده‌ام.

در مورد پایان‌بندی اثر بگوئید، با احتساب انتخاب این برهه، بر خلاف آثار دیگر در ژانر دفاع مقدس، فیلم با شهادت به اتمام نمی‌رسد...

این پیشنهاد که در پایان اثر حتی اشاره کوتاهی به شهادت صیاد شیرازی نشود، پیشنهاد محمدرضا شفیعی بود که به این شکل پایان اثر فارغ از بحث شهادت و اسطوره‌سازی، با یک قهرمانی ساده و درون داستانی تمام شود.

علی سربابی، بازیگر نقش شهید صیاد شیرازی:

ویژه‌ترین نقش دوران بازیگری‌ام را بازی کردم

در همان ابتدای امر که بازی در نقش شهید صیاد شیرازی به شما پیشنهاد شد، چه حسی داشتید؟

اول اینکه من بازیگر هستم و بازی در هر نقشی طبیعتاً برای من چالشی متفاوت و شیرین است. اما پیشنهاد این نقش برای من بسیار ویژه و خاص بود و در وهله نخست این نام به قدری بزرگ است که به عنوان یک قهرمان ملی در ذهن همه ما شکل گرفته است. در آن زمان خاص که خبر شهادت، صیاد شیرازی را شنیدم نوجوان بودم و زمانی که با ناراحتی اطرافیان و خانواده‌ام مواجه شدم این سوال بزرگ در ذهنم ته‌نشین شد که صیاد که بود؟ همان زمان فارغ از اینکه او را بشناسم، در ذهنم چون یک اسطوره مجهول شکل گرفت. سالها گذشت و درست زمانی که بازی در این نقش به من پیشنهاد شد، ذهنم درست به همان روز که از خود پرسیدم، صیاد که بود؟ عقبگرد کرد. این مواجهه که گویا بازی در این نقش می‌تواند بهترین پاسخ من به آن روزهای مجهول مانده در ذهنم باشد، بسیار برایم هیجان‌انگیز بود و چون می‌دانستم قبول این مسئولیت برایم سخت خواهد بود، برای قبول کردن نقش وقت خواستم. چرا که بازی در این نقش فارغ از هنر بازیگری و ایفای نقش در برگیرنده انتظارات زیادی بود که همه باید بر آورده می‌شد و بعد از آن که قبول کردم در این نقش بازی کنم، تازه متوجه شدم که اجرای این نقش خیلی سخت نبود، بلکه بسیار بسیار سخت بود. در مجموع ایفای این نقش

برای من ویژه‌ترین نقشی است که در دوران بازیگری‌ام افتخار بازی در آن را داشته‌ام.

مهمترین نقطه ثقل و پیوند شما با نقش چه زمانی رخ داد، منظورم زمانی است که نفس‌های شخصیت را زنده تر از همیشه کنار خود احساس کردید؟

با وجود اینکه من شخصیت واقعی نگری دارم و خیلی به دنبال موضوعات ماورایی و یا به شدت احساسی نیستم، اما در هنگام بازی در این نقش، حضور امداد‌های کمک‌رسان را برای هر چه بهتر درک کردن شخصیت در کنارم حس می‌کردم. اتفاقات عجیبی در سر صحنه رخ داد، مثل اینکه دوباره سوالاتی مجهول در ذهنم پراکنده بود و به یکباره یکی از دوستان شهید در سر صحنه به عنوان مهمان حضور می‌یافت و در لابه‌لای خاطرات شفاهی‌اش، پاسخ بیشتر پرسش‌هایم بود، آن هم درست در بزنگاهی که در محصله فرو رفتن در شخصیت گیر افتاده بودم و به آن احتیاج داشتم. به یاد دارم روز اول، جواد افشار که خودش طعم جنگ را چشیده و برای هم نسل‌های من قهرمان است، به من گفت «علی جان می‌دانم که نقش ویژه‌ای بر عهده داری و برای نخستین بار است که در کشور ما از یک شخصیت ارتشی بلند پایه فیلمی ساخته می‌شود، اما همه اینها به کنار، اگر خود شهید بخواند که تو نقش او را بازی کنی، همه مقدمات آن مهیا خواهد شد.» این حرف در ذهن من ماند و حدود یک ماه و نیم درباره شهید، تحقیق کردم و این جمله آن قدر برایم جمله جالب و برآمده از دل بود که اتکای نفس من در تمام طول راه شد و پس از آن همه چیز را به خدا و خود شهید سپردم و در تحقیقات خود هر چه بیشتر پیش رفتم، به این نتیجه می‌رسیدم که آن احساس خاص من در دوران نوجوانی بی دلیل نبوده و شهید خیلی بزرگ‌تر از آن چیزی است که من از او در ذهنم ساخته بودم. آدم‌های مختلف با اندیشه‌های مختلف همه و همه، صیاد را به نیکی یاد می‌کردند و یک صدا از صلابت، شجاعت، دینداری و ایمان راستینش می‌گفتند.

مواجهه با چه منبع و آرشیوی از شهید صیاد شیرازی بر روی شما بیشترین تأثیر را داشت؟

ویدیوئی از سالهای اول انقلاب از مجلس شورای اسلامی دیدم که در آن شهید چمران به پشت تریبون می‌آید و می‌گوید «در ارتش کسانی حضور دارند که من پشت آنها نماز خوانده و می‌خوانم» و ادامه می‌دهد «از شخصیتی یاد می‌کنم که هم اکنون یک سرگرد است و به فرماندهی غرب منصوب شده است، صیاد شیرازی». وقتی دیدم شهید چمران با آن مرتبه و درجه از صیاد شیرازی اینگونه حرف می‌زند و او را در شجاعت، دیانت و تفسیر قرآن سرآمد می‌داند، کاری نداشتم جز اینکه تسلیم او شوم و بپذیرم که براستی حتی بازی در نقش او هم التفاطی است که نصیبم شده است.

آیا قبلاً حس کرده بودید که ممکن است، ته چهره شما به شمایل این شهید بزرگوار شباهتی داشته باشد؟

اصلاً، حتی روزی که برای تست گریم رفته بودم، چندین بار از کارگردان پرسیدم که مطمئن است که من مناسب این نقش هستم؟ و حتی بازیگران مطرحی را پیشنهاد دادم که چهره آنها نزدیک‌تر به چهره شهید بود.

چگونه برای نقش انتخاب شدید؟

همسر، مارال بنی‌آدم، سر فیلمبرداری اثر سینمایی «پروین» بودند. من یک شب برای سر زدن به تیم در خدمت گروه فیلمسازی بودم، در پایان کار دیدم شهرام خلج با دقت زیادی مرا نگاه می‌کند و بعد از من پرسید که چرا کمتر فیلم سینمایی بازی می‌کنم و من هم گفتم که چون علاقه‌مندی بیشترم در تئاتر است همانجا به من گفت که اگر یک کار سینمایی باشد همکاری می‌کنی و من هم گفتم بله، بعد گفت فقط نیاز به یک تست گریم دارد، به نظر من چهره شما به نقشی که به دنبالش هستید، نزدیک است. به این شکل نقش صیاد برای من رقم خورد و مسبب اصلی آن شهرام خلج بود.

آیا برای رسیدن به نقش لازم بود که از نظر جسمانی تغییراتی در فیزیکال بدنتان اعمال کنید؟

بله، از روز ساینز گیری لباس در ابتدای کار تا روز فیلمبرداری، من پنج ساینز کم کردم، یعنی چیزی حدود ۱۵ کیلو وزن کم کردم. پس از آن هم به دلیل پیش تولید طولانی کار، من ۷ ماه خود را در همین وزن نگه داشتم. اما به صورت کلی بنده و آقای خلج هم نظر بودیم که دقیقاً با چهره شهید یکسان سازی نشود و هم اینکه هاله‌ای حسی از شهید تداعی شود، بار معنایی و مفهومی بهتری را القا خواهد کرد.

چرا به این نتیجه رسیدید؟

چون می‌دانستم خود شهید بدن بسیار ورزیده و آماده و سلامتی داشت و از نظر استایل یک نظامی تمام عیار بودند. هدف من هم این بود که بهترین و بیشترین شکل شمایی درست از ایشان باشم.